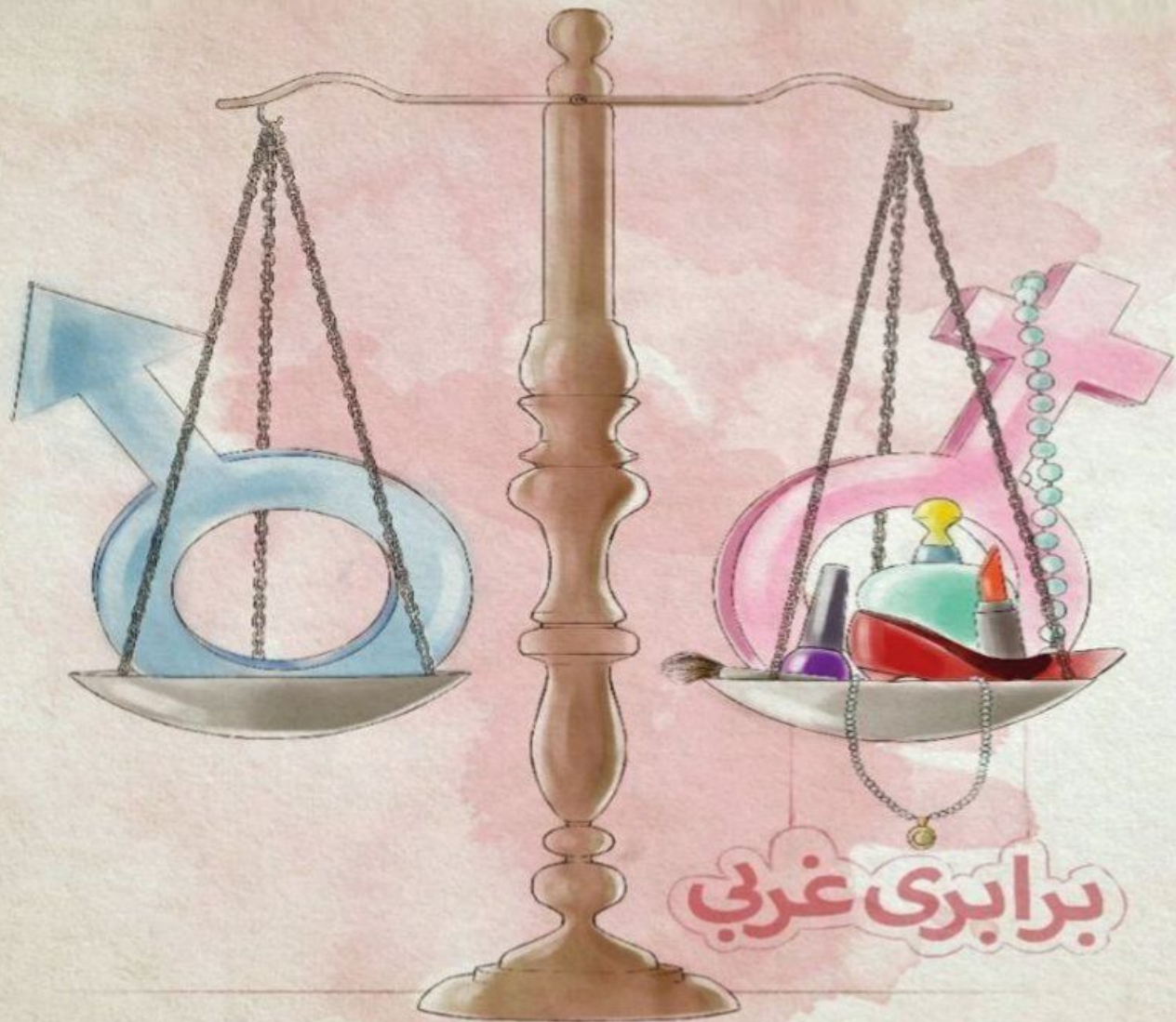


روشنک

سال رونق تولید

گاهنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت

اردیبهشت ۹۸



برابری غربی

اساساً نگرش غربی نسبت به زن، یک نگرش مبتنی بر عدم برابری و عدم تعادل است. شعارهایی که در غرب داده میشود، حاکی از واقعیت نیست. فرهنگ غربی را باید در ادبیات غربی جستجو کرد. در چشم فرهنگ اروپایی، از دوران قرون وسطی تا اواسط قرن فعلی، زن موجود درجه دوم بوده است! هر چه بر خلاف این ادعا کنند، خلاف میگویند.

تلقی من از آینده تلقی خوش بینانه است نه اینکه گوانی و مشکلات را ندانم ، چرا ، خبر ها به من می رسد ، بیشتر از افراد دیگر هم می رسد ، اما ملت ایران امروز مثل یک قهرمان ، مثل یک شخصیت برتر در مقابل یک دشمن خیست حله گر ایستاده و می داند دنبال چیست . آرزمان ها و هدف روشن است . ملت ایران با همه قدرت ، پشت انقلاب ایستاده است . یک جاهایی گله مندی هم هست ، اما این ها باعث نشده که ملت ایران از سرافرازی و عزت روی گردان شود و نشده تصویر من از ملت این است

امام خامنه ای (سایه اش مستدام باد)



گاهنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت / سال چهاردهم / شماره اول / اردیبهشت ۹۸



دانشگاه علم و صنعت ایران

مدیر مسئول و سردبیر: فاطمه اسدی

صاحب امتیاز: فاطمه نیکچه

هیات تحریریه: فاطمه اسدی ، فاطمه عنایتی هائیه راعی ، عطیه مقدمی ، فرزانه حبیبی

صفحه آرا: فاطمه اسدی

راهیان عشق

مجموعه خاطرات مسیح خاطر حنظل ما به

کار باید تشکیلاتی باشه

خواهر حمیده

کاری نکند تا اروپا و آمریکا پیش از این به ایران بخندند

به شیوه باران

خواهر حمیده

(فرزانه حبیبی)

با این همه وروجک پر انرژی، اسم خودم را هم به خاطر نمی آوردم متوجه قدم زدن یک خواهر کوچکتر در کلاس شدم.

پس از آن رو به سوی فاطمه نموده و گفتم: "فاطمه مگه بهت نگفتم خواهرت خودش رو خیس کرده با خودت نیارش؟" ولی به جای اینکه فاطمه جواب بدهد، حمیده دست ها را به کمر زده با قیافه ای حق به جانب گفت: "خاله! خواهر من خودش رو خیس کرده؟"

و در آن حال دریافتیم که گویا خواهر حمیده را با خواهر فاطمه اشتباه گرفته و سوتی بدی داده ام. گردن خود را پایین انداخته عذر خواسته و از کادر خارج شدم.*

پ.ن.

*کلید اسرار این قسمت: حواس جمع

و چشم رنگی و ریزه میزه با آن لباس های رنگی چشم نواز یکی از بخش های جذاب کار بود. هرچند مهرورزی های بی حد و حصر بچه ها و خانواده هایشان هرکسی را شرمند می کرد اما کار هم سختی های خودش را داشت. یکی از مصیبت های عظمای ما سر کلاس فهماندن نشستن روی صندلی... و نه توی پنجره و نه قدم زدن وسط کلاس... به بچه ها بود. خواهر حمیده علی رغم عز و التماس های من در پنجره زیست مینمود

و نکته دردناک بغل دستی حمیده (فاطمه خانم ریزه میزه و با نمک) و همراهی خواهر کوچکترش با خواهر حمیده در پنجره بود.

این دو خواهر کوچکتر به صورت شیفی و با سازگاری کامل در پنجره زندگی می کردند.

اما یک روز اتفاق تلخی رخ داد. خواهر فاطمه به علت های کاملاً طبیعی خودش را خیس کرد و رطوبت خارج شده که بسیار زیاد هم بود نه تنها به پنجره که به صندلی خواهرش هم سرایت کرد.

طی یک اقدام منطقی فاطمه و خواهرش به خانه رفتند و علی رغم توصیه من فاطمه برگشت.

زنگ آخر در حالیکه از شدت فشار کار

سال اول دانشگاه که تمام شد چند تا از دوستانم اعلام کردند تصمیم گرفته اند برای اردوی جهادی نام نویسی کنند. من هم گفتم: "عه چه باحال! پس منم باهاتون میام."

کمی بعد تر وقتی نام نویسی و حضور من در اردو قطعی شد، متوجه شدم هر کدام به بهانه ای از زیر بار اردو رفتن در رفته اند! یک نفر نتوانسته بود ثبت نام کند. یک نفر مصاحبه را پیچانده بود. یکی دیگر منصرف شده بود و خانواده اجازه نداده بودند و ...

خلاصه اینکه من رفتنی شدم اما آنها هیچ کدام نیامدند!

در تقسیم بندی گروه ها و بخش های مختلف جهادی، وارد گروه کودک شدم. باید صبح تا قبل از ظهر سر کلاس میرفتیم و به بچه های روستا درس می دادیم.

البته درس مدرسه نبود. بیشتر شبیه آموزش های مهدکودک بود و همراه با کاردستی و رنگ آمیزی و شعر و قصه انجام میشد.

من و یکی دیگر از بچه ها معلم کودکان ۸ تا ۱۰ سال بودیم.

حمیده یکی از دانش آموز هایمان بود. یک دختر بچه عینکی سر و زبان دار و زبر و زرنگ که دو روز آخر کلاس خواهر کوچکترش را هم با خودش به کلاس آورد. لذت درس دادن به بچه های بامزه



سفارش شیرینی و تزئینات سلف و هماهنگیاش و پیدا کردن جمله خوب برای جشن و ... رو بچه ها بین خودشون تقسیم کردن تا سه شنبه...

قرار شده بود یکی از بچه ها که خونشون نزدیک بازار گله ، گل ها رو بگیره و بیاره دانشگاه.

اول قرار شد گل رز بگیریم . بعد اون بنده خدا باهام تماس گرفت و گفت که بازار گل یه گل داره رنگی رنگی و تازه قیمتشم خیلی خوبه! اسمش "زربرا" است...چند بار پشت تلفن اسمش رو تکرار کرد تا تونستم بفهمم اسمش چیه! به لطف گوگل ، شکل و شمایلش رو هم دیدم و پسندیدم و قرار شد همون زربرا رو بگیره.

حدودای ساعت ۱۰ گل ها به دستمون رسید و بچه ها با عجله کاغذ هایی که قرار بود به گل ها ضمیمه بشه رو بهش وصل کردن. یکی داشت بادکنک باد میکرد، یکی رفت برای آماده سازی فضای سلف ...

و اما زمان موعد فرا رسید... از در سلف که وارد میشدی ، صدای مولودی به گوش می رسید و بچه ها دور میز جمع شده بودن ...

۲۰ دقیقه ای گل و شیرینی تموم شد و استقبال بچه ها خستگی رو از تنمون بیرون کرد...

درسته که برپایی این برنامه برامون خیلی درس داشت.

اما یه درس مهم رو به تک تکمون یاد داد که :

این وسط، یکی از بچه ها بیسکویت رو میزد تو جای و وقتی بیرون میآورد بیرون، بیسکویت پخش زمین میشد و فرش بسیج رو مورد لطف خودش قرار میداد! جالبه عبرت هم نمیگرفت و ۳ بار این کارو تکرار کرد!! هم میخواستم جدیت جلسه حفظ بشه ، هم نمیتونستم جلو خندمو بگیرم...

خلاصه هر جور بود بلاخره برنامه بسته شد :

در نهایت جمع بندیمون شد: مصاحبه با دانشجویها، نمایشگاه عکس و پوستر با محوریت بیانیه گام دوم و معرفی جوانان موفق، پخش گل و برگزاری جشن در سلف پاس.هدف برنامهمون هم شد "امید به جوانان"؛ چیزی که خیلیا سعی دارن از جوان ها بگیرنش ولی حضرت آقا تاکید دارن که " جوانان راه حل مشکلات کشورند...".

خلاصه شنبه ظهر ، برو بچه های نشریه رویش نو مصاحبه رو انجام دادن و آخر هفته تو پیج نشریه پخش کردن؛ یکی میگفت چرا سوالاش اینجوریه ، یکی میگفت چرا آهنگ نداره؟! ولی من میگم این اولین کار این بچه ها بود و سرش کلیسی وقت گذاشتن . اگه اولیش اینه بعدیاش دیگه قراره چی بشه!! ان شاءالله! دوشنبه هم دو نفر از بچه ها نمایشگاه و چند تا مقوا که بچه ها نظراتشونو توش مینوشتن رو داخل سلف دایر کردن.

مگه حل تمرین های گرامی اجازه میدادن که یک ساعت مشترک برای جلساتمون پیدا بشه!؟

بلاخره بعد کلی پرس و جو و کلنجار رفتن، یکشنبه ساعت نهار شد ساعتی برای برگزاری جلساتمون...

اولین جلسه بعد عید هم که از قضا یکشنبه بود، بحول قوه الهی برگزار شد. بچه ها یکی یکی خودشونو رسوندن و شروع کردیم به برنامه ریزی...

از قبل عید و بین درگیری های راهیان نور یکی از بچه ها خیلی تاکید داشت که برای روز جوان باید یه برنامه داخل سلف پاس بگیریم که هم فضای شادی رو ایجاد کنیم و هم یه محتوا مخصوص روز جوان ارائه بدیم. بعد از اینکه حضرت آقا بیانیه گام دوم خطاب به جوانان رو مطرح کردند، همه روی برنامه ولادت حضرت علی اکبر (ع) اتفاق نظر داشتند...

با هم قرار گذاشتیم که برای جمع بندی نهایی ، دوشنبه ساعت ۵ به بعد دانشگاه بمونیم . چون احتمال میدادم بچه ها خسته و گرسنه باشن، از جانتبوا (ریا نباشه نصف خریدامون از اونجاست) بیسکویت گرفتیم تا با جای بخورن.

از قبل به بچه ها تاکید کرده بودم که جلسه ، جلسه مهمیه و وقت نداریم و هیچ جوهره نباید وقت رو هدر بدیم. حالا

کار باید
تفصیلات
باشه...

(یه بسیجی)



راهیان عشق

ماجرا از بخش تعدادی نامه محرمانه در سطح دانشگاه شروع شد. جوهر مهر قرمز رنگ با مضمون "محرمانه" ای که پایین نامه خودنمایی میکرد نشان از این میداد که خبری در راه است ... و خبری در راه بود

در همین روزهای پایانی اسفند ماه روزهایی که شهر در تب و تاب شب عید بود و مردم حسابی به تکاپو افتاده بودند ...

عده ای "راهی دیار عاشقی" که خود طعم شیرین محبت دوست را چشیده بودند به دنبال همسفر می گشتند ...

آنها که تجربه سفر داشتند سینه سوخته تر به دیگران پیشنهاد "سفر در راه" را میدادند

هرچه روزشمار تقویم به روزهای پایانی اسفند ماه نزدیک تر میشد تکاپوی بچه ها و تیم آماده سازی اردو بیشتر میشد تا جایی که بچه های گروه ثبت نام و چند گروه دیگر تا شب آخر قبل حرکت در دفتر بسیج سکنی گزیده بودند(۱) ... همه آماده بودند

برای سفری که از مدت ها پیش دعوتنامه آن نوشته شده بود.

از طرف مردمانی پاک و عزیز از دل تاریخ هشت ساله دفاع مقدس برای تمام دوستانشان در سال ۱۳۹۷ ...

سفری که از مدت ها قبل دل اهلش را به بازی گرفته بود و حالا سوار بر قطاری از جنس نور به سمت مرز عاشقی میتاخت ...

قطار عشق همیشه مسافران خودش را دارد ...

هم قطار سال ۵۹ هم قطار سال ۹۷ که هردو به یک مقصد ختم میشدند و جنس مسافران هردو آسمانی دارد ...

بچه هایی که نه دوران انقلاب را دیده اند نه دوران جنگ را ...

حالا چه زیبا هیاهوی آن روزهایی جنگ را به دوکوهه بازگردانده اند ...

روی خاک داغ و تفدیده فکه می بارند ... شکوه طلایه را مانند شب های عملیات احیا کرده اند ...

شب جمعه در هویزه با حسین علم الهدی کمیل نجوا کردند

و عاشقانه هایی ساختند به شیوه خودشان و از جنس عاشقانه های فرزندان مکتب خمینی ...

سفری که ابتدایش پایان اسفند ماه و پایانش به وسعت تاریخ عشق بازی مردان خداست ...

(فاطمه عنایتی)

زن را می شود از حیات محروم کرد؟!*

(هانیه راعی)

نجف بودیم، بقال های نجف هم طی الارض داشتند! نفس ها آزاد می شود و لبخندی می نشیند کنج لب ها...!

پندهای آقا از زبان شاگردان و اطرافیان چنان بر دل و جانتان می نشیند که کتاب را کيفتان می گذارید و توی مترو یا بین دو کلاس یا بین دو نماز حتی، می خوانید.

در چند قدمی ماه مهمانی خدا از بازار خواندن و شنیدن هوای روزهایتان را بهاری تر خواهد کرد.

در نهایت خاطره ای از یکی از همراهان بخوانید و مهربانی را ببینید که از نگاه آقا می بارید.

این طرف حیاط، کنار حوض یک درخت انار بود.

کنار انار، بوته گل محمدی.

آن طرف حیاط هم یک درخت خرزهره بزرگ که مدام گل برگ هایش می ریخت؛ و یک نفر باید هر روز جارو به دست، به داد حیاط می رسید. جمعه بعد از وضو داشت کنار حوض وضو می گرفت. گفتم: «آقا اجازه بدهید این خرزهره را ببریم. درخت میوه که نیست؛ فقط حیاط را کثیف می کند.»

با مهربانی و خنده گفت: «نه! این را علی آقا(پسرشان) کاشته؛ نباید ببرید.»

مهربانی، از چشم هایش می بارید.

* جامع المقدمات: مجموعه ای از پانزده کتاب است که در سال های ابتدایی در حوزه های علمیه تدریس می شد. این کتاب را در دوره های مختلف و توسط نویسندگان گوناگون نوشته شده است؛ و بعد ها در یک جلد گردآوری شده اند. اخلاق، منطق، صرف و نحو؛ موضوعات کتاب های جامع المقدمات است.

اگر یک کتاب از این مجموعه را دست بگیرید و داستان کوتاهی از آن را بخوانید یقینا خودتان را می بینید که از نماز جماعت برگشته اید و گوشه ای ایستاده اید و سیل جمعیت را نگاه می کنید که دور آقا جمع شده اند، یکی سوال علمی می پرسد و دیگری التماس دعایی برای شفای عزیزش دارد. یکی سوالی را ناگهانی می پرسد که «آقا شما طی الارض دارید؟» و نفس ها را در سینه ها حبس می کند. آقا چه جوابی می دهند؟ نه بگویند که دروغ است و آره هم با مرامشان جور در نمی آید. بعد از چند ثانیه می گویند: «آن موقع که ما

توی خواب داشتیم به همسر جامع المقدمات* درس میدادم. بیدار که شدم تا چند روز ذهنم درگیر تعبیرش بود. به آقای بهجت گفتم: «نظر شما درباره درس خواندن زن ها چیست؟»

گفت: «علم، حیات است مگر میشود زن را از حیات محروم کرد؟! مهم این است که زن وقتی برای تحصیل می رود، بداند از کجا می آید و به کجا می رود؛ این اختصاص به زن ها هم ندارد، مرد هم باید اینطور باشد»

بعد مثل خیلی وقت ها مثال آورد از علما، گفت: «اشیخ علی زاهد همدانی، دخترهایش را به شرط اینکه برای تحصیل به نجف ببرند، شوهر می داد. هر قدر این تحصیل توسط محارم زن صورت بگیرد بهتر است.»

برای باران فرقی ندارد که در باغچه گل بنفشه باشد یا سرخ، برای باران فرقی ندارد که روی سنگ بیارد یا سبزه، شیوه باران اینطور است، سفره رحمتش به روی همه باز است.

این بین روی زمین، گاهی، هرازچندگاهی، آدمهایی را پیدا می کنیم یا از این و آن می شنویم که باران اند. باران شده اند و چنان تمیز و لطیف اند که اطرافیانشان را هم پاک می کنند.

خواندن از زندگی، رفتارها و روش های بزرگان و علما تأثیری روی رفتارها و تفکر خودمان می گذارد که شاید تا مدت ها، قبل از هر کاری یاد حرفی یا جمله ای از آنها بیفتیم...

مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی بهجت(قدس سره) مجموعه داستان هایی را با عنوان خاطراتی کوتاه از سیره و سبک زندگی آیت الله بهجت (قدس سره) منتشر کرده با قطر کم و داستان های کوتاه و روان



آقای روحانی! کاری نکنید تا اروپا و امریکا بیش از این به ایران بخندند!

در حالی که یک سال از خروج امریکا از برجام می گذرد و به گفته محمد جواد ظریف، اروپایی ها نیز تاکنون فقط به یک درصد از تعهدات برجامی شان عمل کرده اند، امروز حسن روحانی در واکنش به تحریم های جدید و بی سابقه امریکا علیه ایران به جای آنکه اعلام کند «ایران هم از برجام خارج می شود» تاکید کرد ایران همچنان در برجام باقی می ماند! و تنها بخش اندکی از تعهداتش برجامی اش را تعلیق خواهد کرد!

ما جالب اینجاست که این دو تعهد برجامی نیز که ایران از امروز اعلام کرد تعلیق خواهد کرد، نفروختن آب سنگین و اورانیوم غنی شده به خارج از کشور است که دقیقا چندی قبل طبق تحریم های جدید امریکا امکان آن برای ایران وجود نداشت! یعنی در حالی که امریکایی ها با تحریم های اخیرشان مانع فروش آب سنگین و اورانیوم غنی شده ایران به خارج هستند، روحانی پشت بلندگو اعلام کرد ایران این دو کار را در اعتراض به بدعهدی های اروپا و امریکا دیگر انجام نخواهد داد!

حالا خودتان را جای طرف غربی بگذارید! به ایران نمی خندید؟ پیش خودتان نمی گوید اینها چقدر ذلیل هستند که وقتی می خواهند ما را مثلا تهدید کنند می گویند فلان کار را انجام نمی دهند در حالی که خود ما نگذاشتیم فلان کار را انجام دهند!

واقعیت این است که کاری که جناب روحانی باید سال 94 و بعد از اولین نقض برجام توسط اوباما انجام میداد را 4 سال بعد آن هم زمانی که دولت امریکا کاملا از برجام خارج شده و اروپا هم 99% تعهداتش را انجام نداده، انجام می دهد! پس هرچقدر هم داخل کشور بلوف زده شود و این واکنش را قهرمانانه و قاطع بازنمایی کنند، واقعیت این است که امریکا و اروپا تازه بیشتر مطمئن میشوند جریانی در ایران روی کار است که هیچ اقدام قاطعی در برابر فشار و تحریم بیشتر انجام نمی دهد پس حالا حالاها جا دارد تا تحریم ها و فشارها علیه ایران بیشتر شود...

کاش ان سال ها رییس جمهور و سران دولتی بودند که به حرف های مقام معظم رهبری گوش می دادند و انها را عملی می کردند ان زمان که رهبری فرمودند مذاکره با امریکا دردی دوا نمی کند امریکا دشمن همیشگی ما بوده و خواهد بود .

ای کاش ها فراوان اند مانده ایم از چه بنالیم !!....

(یه بسیجی)



سرگذشت چهل ساله انقلاب اسلامی

همه چیز علیه ما بود	تقابل دوگانه «اسلام و استکبار» پدیده ی پرچسته جهان معاصر شد	عظمت پیشرفتهای چهل ساله ایران آنگاه بدرستی دیده میشود که با مدتهای مشابه در انقلابهای بزرگی چون فرانسه و شوروی و هند مقایسه شود	ترکیب جمهوریت و اسلامیت نخستین درخشش انقلاب بود	هیچ تجربه ای در برابر ما وجود نداشت
---------------------	---	---	---	-------------------------------------

انقلاب منشأ این برکات شد

امنیت و تمامیت ارضی را ضمانت کرد	کفه ی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد	موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و زیرساخت شد	مشارکت مردمی را در «مسائل سیاسی»، «حضور در محنه های ملی» و «استکبار ستیزی» به اوج رساند	عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه افزایش داد	ایستادگی در برابر مستکبران روزه روز بیشتر شد	بینش سیاسی آحاد مردم را ارتقا داد
----------------------------------	--	---	---	---	--	-----------------------------------

تفاوت چالشهای دیروز و امروز انقلاب با مستکبران

چالش آن روز بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی یا رسوا کردن لانه ی جاسوسی بود؛ امروز چالش بر سر حضور ایران در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن نفوذ آمریکا از منطقه و حمایت از مجاهدان فلسطینی و دفاع از حزب الله و مقاومت است	مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاحهای پیشرفته ی ایرانی به نیروهای مقاومت است	آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهند توانست بر نظام اسلامی فائق آید امروز برای مقابله خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده ها دولت معاند یا مرعوب میبیند
---	---	---

ظرفیت های مهم کشور برای گام دوم انقلاب

نیروی انسانی مستعد و کارآمد	رتبه ی دوم جهان در دانش آموتگی علوم مهندسی	حدود ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی	۷۷ درصد ذخایر معدنی جهان با وجود یک درصد جمعیت جهان	بازار بزرگ منطقه ای (۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت)	حاصلخیزی زمین با محصولات کشاورزی و باغی
وجود جوانان محقق مشغول به آفرینشهای علمی و فرهنگی و صنعتی و...	وجود انبوه جوانان با روحیه ی انقلابی و آماده ی تلاش جهادی	منابع عظیم زیر زمینی	موقعیت استثنایی جغرافیایی	بازار بزرگ ملی و اقتصاد بزرگ	سواحل دریایی طولانی

توصیه هایی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنافاده)

دانش، وسیله ی عزت و قدرت یک کشور است	هنوز از قله های دانش جهان بسیار عقیمیم؛ باید به قله ها دست یابیم	با شتاب پیش میرویم ولی این شتاب باید سالها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب افتادگی جبران شود	این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید	به سوء استفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمیکنیم
--------------------------------------	--	---	--	--

عدالت و مبارزه با فساد، لازم و ملزوم یکدیگرند	آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله ای ژرف است	دستگاهی کارآمد با نگاهی تیز بین و رفتاری قاطع در قوای سه گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند	نسبت به فساد در میان کارگزاران جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از حکومت ها بسی کمتر است، ولی حتی آنچه هست غیر قابل قبول است	کسب ثروت مورد تشویق است، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و ویژه خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی بشدت ممنوع است	دلای مستولان به طور دائم باید برای رفع محرومیتها بتپد	غفلت از قشرهای نیازمند حمایت مورد قبول نیست
---	---	--	---	---	---	---

وجود معنویت و اخلاق، محیط زندگی را حتی با کمبود های مادی، بهشت میسازد و نبود آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می آفریند	معنویت یعنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاق، ایثار، توکل، ایمان در خود و جامعه	ممنوعیت معنویت و اخلاق، باعث زوال و انحطاط است	اخلاق یعنی رعایت فضیلت هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و...
---	---	--	--

منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند	زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند	با کانونهای ضد معنویت و اخلاق، به شیوه ی معقول بستیزند	به نهاد های اجتماعی در این باره کمک برسانند
--	---	--	---

پدیده های جهانی که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند

تحرك جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه ی آمریکا و صهیونیسم	شکست سیاست های آمریکا در منطقه ی غرب آسیا و زمین گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه	گسترش حضور قدرتمندانه ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان
---	---	--

وظایف دولت جمهوری اسلامی

عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد	از ارزشهای انقلابی و ملی یک گام هم عقب نشینی نکند	در مورد آمریکا، حل هیچ مشکل متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی نخواهد داشت	حکیمانه و مصلحت جوینانه و از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند	مرزبندی خود را با آمریکا و تعدادی از دولتهای اروپایی با دقت حفظ کند	از تهدید های دشمنان نهراسد
---	---	--	---	---	----------------------------

اقتصاد، هدف جامعه ی اسلامی نیست، اما وسیله ای است که بدون آن نمی توان به هدفها رسید

مهمترین عیوب ساختاری

وابستگی اقتصاد به نفت	عدم ثبات سیاستهای اجرایی اقتصاد	دولتی بودن بخشهایی که در حیطه ی وظایف دولت نیست	وجود هزینه های زائد و مسرفانه در بخشهای از دستگاه های حکومتی	استفاده ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور	نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی	بودجه بندی معیوب و نامتوازن
-----------------------	---------------------------------	---	--	---	---	-----------------------------

مهمترین راه حل ها

درون زایی اقتصاد کشور	مولد شدن و دانش بنیان شدن	سپردن کار به دست یک مجموعه ی جوان و دانا و مومن و مسلط بردانسته های اقتصادی	مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت	برون گرایی با استفاده از ظرفیت ها
-----------------------	---------------------------	---	--	-----------------------------------

استقلال ملی به معنی آزادی ملت از زورگویی سلطه گران جهان است؛ ولی نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود باشد

آزادی اجتماعی به معنی حق تصمیم گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای افراد جامعه است؛ ولی نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزشهای الهی و حقوق عمومی باشد

تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی، زیانهای بی جبرانی به کشور و ملت زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه جانبه و هوشمندانه میطلبد که چشم امید در آن، به جوانها است

دانش

عدالت و مبارزه با فساد

معنویت و اخلاق

منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند

پدیده های جهانی که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند

عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد

اقتصاد

وابستگی اقتصاد به نفت

درون زایی اقتصاد کشور

استقلال و آزادی